

## ابداع خطوط رمزی در فرهنگ اسلامی و ایرانی

مصطفی ذاکری\*

### چکیده

در این مقاله نخست چگونگی رمزنگاری حروف و کلمات و دلایل آن ذکر شده و سپس چند نمونه از خط رمزی براساس ابجد و آنگاه خطوط رمزی دیگر چون خط شجری، خط کم‌صلا، و خط عددی آمده است و آنگاه از چند کتاب مختلف و عمدتاً از خزائن نراقی نمونه‌های گوناگونی از خطوط رمزی که در طلسمات به کار می‌رود ذکر شده و نمونه‌هایی هم از کتب جادوگری فرنگی آمده است. کلیدواژه: خطوط رمزی، رمزنگاری، جادوگری، کیمیاگری، طلسم‌سازی.

### مقدمه

در مجله آئینه میراث شماره ۴۲ در دو مقاله جداگانه از خط شجری (ص ۱۸۶ - ۱۹۸) و یک خط رمزی دیگر (ص ۲۵۰ - ۲۵۲) سخن رفته است و چون این بحث به مسئله خطوط رمزی در ایران و فرهنگ اسلامی مرتبط می‌شود و نمونه‌های متعدد دیگری از آنها در کتب مختلف وجود دارد، لذا برای روشن شدن مطلب، مختصری در این باره نوشته می‌شود.

### ۱. رمزنگاری و علت آن

در قدیم برخی علوم — یا شبه‌علوم مثل علوم غریبه و کتب جادوگری و کیمیاگری

\* پژوهشگر زبان و ادب فارسی و عربی

و طلسم سازی و امثال آنها — را مخصوصاً به خطی غیر از خط متعارف می نوشتند تا هر کس نتواند آنها را بخواند و — احتمالاً از آنها سوء استفاده کند. این روش نه تنها در کتب اسلامی، یعنی کتابهای عربی و فارسی و ترکی و اردو، بلکه در کتب اروپایی به خط لاتین و یونانی نیز دیده می شود و حتی برخی از اینگونه الفبا در فرهنگها نیز راه پیدا کرده است. مثلاً در ایرلند در قرون پنجم و ششم میلادی نوعی الفبای شجری وجود داشت که شامل بیست حرف بود و با خط و نقطه مشخص می شد (نقطه برای مصوتها و خط برای صامتها) که آن را ogham می نامیدند (برای ملاحظه این الفبا نک: وبستر بزرگ: ۵۶۸، ذیل همین کلمه).

از موارد دیگر رمزنگاری قدیم یا جدید یکی الفبای مخصوص لاله‌است که با انگشتان دست که بسته و باز می شود نشان داده می شود و آن را به انگلیسی manual alphabet می نامند یعنی الفبای یدی که کاملاً شبیه است به عقود انامل یا حساب عقود که در مقدمه فرهنگ جهانگیری (آیین دوازدهم، صص ۶۱-۶۴) و در مقدمه برهان جامع (طراز دهم، صص ۵ و ۶) و در خزائن نراقی (صص ۶۴ و ۶۵) شرح از آن آمده است. و در الفبای یدی انگلیسی حرف M را با دست کاملاً بسته نشان می دهند که در شعر فردوسی «نه اندر نه آمد سه اندر چهار» بر حسب عقود انامل به معنای خست و لثامت است و به همان صورت حکایت از دست بسته دارد.

الفبای مورس<sup>۱</sup> که ساموئل مورس (متوفی ۱۸۷۲ م) مخترع امریکایی در سال ۱۸۶۷ م اختراع کرد و در ارسال پیامهای تلگرافی و موارد مشابه به کار می رود نیز نوعی خط رمزی است. همچنین سمافور<sup>۲</sup> که در ۱۸۱۶ م برای ارسال پیام به وسیله دستها یا با بالا و پایین بردن دو پرچم ابداع شد نیز نوعی الفبای رمزی است.

امروزه برای ارسال پیامهای رمزی (با تلکس و تلگراف و اینترنت و غیره) روشهای بسیار پیچیده‌ای به کار می رود، زیرا که سازمانهای امنیتی کشورهای غربی (امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه و غیره و نیز اسرائیل) سازمانهایی برای کشف رموز پیامهای ارسالی سفارتخانه‌های خارجی تأسیس کرده‌اند که می توانند به سرعت کشف رمز<sup>۳</sup> کنند، لذا نمایندگیهای کشورهای خارج هر چند وقت یک بار رمز خود را تغییر می دهند و روشهای رمز کردن (coding) را نیز دگرگون می کنند تا اسرار آنها

1. Morse code  
2. Semaphore  
3. Decoding

حفظ شود. مطالعه این شیوه‌ها خود علمی است جدا که به مأموران خارجی دولتها تعلیم داده می‌شود.

غیر از موارد فوق، در قدیم برای سرگرمی و یا گاهی امتحان هوش خوانندگان و یا به بازی گرفتن آنها از این روشها استفاده می‌شد.

## ۲. خطوط رمزی قدیم

عمده‌ترین روش برای رمزی کردن کلمات در قدیم، استفاده از حروف ابجد بود که هر حرف نماد یک عدد هم بود به شرح زیر:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	
غ									
۱۰۰۰									

برای توضیح بیشتر در زمینه ابجد مراجعه شود به مقاله اینجانب تحت عنوان «تاریخچه ابجد و حساب جمل در فرهنگ اسلامی» که در مجله معارف (س ۱۷، ش ۲) چاپ شده است.

اینک برخی روشهای رمزنگاری با استفاده از ابجد ذکر می‌شود:

۱.۲. نوشتن یا گفتن عدد حروف: یعنی به جای آنکه کلمات را بنویسند حروف هر کلمه را مطابق اعداد ابجد که در فوق ذکر شد می‌نویسند و البته در مورد حروف فارسی که در ابجد نیست عدد مشابه آنها نوشته می‌شود یعنی پ را مثل باء (۲)، چ را مثل جیم (۳)، ژ را مثل زاء (۷) و گاف را مثل کاف (۲۰). همزه معمولاً به حساب نمی‌آید ولی گاهی آن را معادل الف (۱) می‌گیرند و در تمام موارد صورت مکتوب مراعات می‌شود نه ملفوظ؛ مثلاً مرتضی را با باء حساب می‌کنند نه با الف و زکوة را «ز.ک. و.ه» در حساب می‌آورند (تاء گرد برابر هاء گرد است).

با این حساب احمد را ۴۴۰۸۱ و پرویز را ۷۱۰۶۲۰۰۲ و رفت را ۴۰۰۸۰۲۰۰ می‌نویسند پس «احمد نزد پرویز رفت» می‌شود: ۴۴۰۸۱-۴۷۵۰-۷۱۰۶۲۰۰۲-۴۰۰۸۰۲۰۰. بنابراین خواننده برای رمزگشایی باید دوباره اعداد را به حروف بدل کند.

آقا نجفی قوجانی در کتاب سیاحت شرق (ص ۲۰) می‌نویسد: پدرم وقتی می‌خواست چیزی به من بگوید که حاضران متوجه نشوند به طریق حساب جمل می‌گفت چنانکه به جای «برو از دکان گوشت بگیر» می‌گفت: «دو سر (یعنی ب)، دویست دست (ر)، شش شکم (و)، یک چشم (ا) و هفت گوش (ز) و چهار بینی (د) و بیست گردن (ک) و یک ابرو (ا) و پنجاه پا (ن) و بیست پنجه (گ) و شش ناخن (و) و سیصد دنده (ش) و چهارصد دهن (ت) و دولب (ب) و بیست دندان (گ) و ده زبان (ی) و دویست ریش (ر). سپس من حروفات را جمع می‌کردم و فوراً می‌رفتم عقب خرید گوشت».

این کار را می‌توان با حروف ابثت هم کرد یعنی حروف الفبای فارسی معمولی از الف تا یاء را شماره‌گذاری می‌کنند بدین طریق:

ا	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	ژ	س	ش
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ل	م	ن	و	ه	ی
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲

با این روش احمد را چنین می‌نویسند: ۱۰۲۸۸۱ و پرویز را: ۱۲۳۰۳۲۳۰۱۳. به غیر از الفبا می‌توان با تعیین کتاب معینی (مثلاً دیوان حافظ چاپ قزوینی) به طور سری مکاتبه کرد. مثلاً می‌نویسند: ۵-۲-۷ یعنی صفحه پنجم، سطر دوم، کلمه هفتم. در این صورت هیچ‌کس نمی‌تواند این رمز را بگشاید مگر آنکه نام کتاب را بداند. از این ساده‌تر این است که به جای هر حرف از کلمه یک کلمه را که با آن حرف آغاز می‌شود نوشت، مثلاً به جای «کار» باید نوشت: کتاب - ابرو - راه.

۲.۲ خط شجری: این نیز بر اساس ابجد است و طریق آن این است که جمله‌های ابجد را شماره‌گذاری می‌کنند بدین طریق:

ابجد (۰)، هوژ (۱)، حطی (۲)، کلمن (۳)، سعفص (۴)، قرشت (۵)، ثخذ (۶)،

ضظغ (۷). و این جمله‌ها یا سه حرفی‌اند یا چهارحرفی. سپس برای هر حرف یک خط عمودی می‌کشند و در سمت راست آن شماره جمله ابجدی را که در بالا ذکر شد با خطهای مورب نشان می‌دهند و در سمت چپ آن جای آن حروف را در جمله مذکور با خط مورب دیگری معین می‌کنند. مثلاً الف |، ب |، ج |، د |، هـ | و | تا آخر. و این اشکال مانند درخت‌هایی است که شاخه‌هایی از آنها رویده باشد. خط آگهام (Ogham) که در بالا ذکر شد و در ایرلند در قرون پنجم و ششم میلادی با آن سنگ قبرها را می‌نوشتند بسیار شبیه به همین حروف شجری (یعنی درخت است) ولی قطعاً میان این دو ربطی وجود ندارد؛ یعنی بسیار بعید است که یکی از دیگری اقتباس شده باشد. این خط را خط سروی یا سروک یا خط مشجر یا خط نخلی هم می‌نامند. با این خط احمد را چنین می‌نویسند:



با استفاده از اصول این خط می‌توان بین دو نفر در مجلسی ارتباط برقرار کرد. مثلاً اگر هر دو قلیانی می‌کشند یک بلند نشانه جملات ابجد و یک کوتاه نشانه جای حروف در جمله‌هاست و در این صورت باید ابجد را به جای صفر یک حساب کرد و ضظغ را هشت. نیز می‌توان مثلاً طرف راست سبیل را برای محل جملات ابجد و طرف چپ سبیل را برای جای حروف در جمله‌ها قرار داد و لذا به تعداد جمله‌ها دست به طرف راست سبیل می‌کشند و به تعداد حروف در جمله مربوطه دست به طرف چپ سبیل می‌کشند. یا مثلاً در زندان می‌توان مشت محکم را به دیوار به عنوان جای جمله‌ها و مشتای کوتاه را به جای محل حروف قرارداد کرد و با زندانی سلول مجاور صحبت کرد. با چشمک هم می‌توان قرارداد کرد که چشمک با چشم راست جمله‌های ابجد و با چشم چپ محل حروف را نشان می‌دهد.

خط شجری را می‌توان به صورت خط و نقطه هم نوشت مانند مورس. مثلاً احمد را می‌توان به صورت - / ۰ - - - - / ۰ - - - - / ۰۰۰۰ - یا به صورت ۰۱ ۰۱۱۱ ۰۱۰۰۰۱۰۰۰ نوشت که خط تیره یا الف نشانه جمله‌ها و نقطه نشان محل حرف در جمله است.

### ۳. خط کم‌صلا

این هم یکی از خطهای رمزی قدیم است که بر اساس آن حروف مهمله (یعنی

بی نقطه) را در هر جمله به حرفی دیگر تبدیل می‌کنند به صورتی که در بیت زیر تعیین شده است:

کم صلا او حط له درسع شمار      حرف منقوٹش به جای خود گذار  
در این طریق «لا» هم که معمولاً در آخر ابجد ذکر می‌شود و نشانه الف (یعنی ā) است به عنوان یک حرف مستقل تلقی شده است، اما نه به عنوان نشانه الف بلکه هر جا که در کلمه‌ای «لا» واقع شده باشد به عنوان یک حرف در نظر گرفته می‌شود. مثلاً جلال را باید «حج - لا - ل» حساب کرد. هر دو حرف در شعر بالا جای خود را به دیگری می‌دهد یعنی کاف را باید میم نوشت و میم را کاف و همچنین صاد را باید «لا» نوشت و «لا» را صاد. الف را واو باید نوشت و واو را الف، حاء را طاء و طاء را حاء، لام را هاء و هاء را لام، دال را راء و راء را دال، سین را عین و عین را سین. اما حروف نقطه‌دار سر جای خود می‌مانند. مثلاً جلال را باید نوشت: «جسه» و جمال را «جکه» و احمد را «وٹکر» و پرویز را «بدایز» و قس علیهذا. آقا نجفی قوچانی در دنباله مطلبی که در بالا نقل شد، می‌نویسد: «گاهی پدرم به حروف «کم صلا» تکلم می‌کرد. مثلاً همان عبارت «برو از دکان گوشت بگیر» را این طور می‌گفت: «بداوز رمون ماشت بمید» و من بی‌معطلی می‌رفتم در پی مقصود.»

#### ۴. خط عددی

بر اساس این خط، حروف کلمه از روی حساب ابجد به اعداد بدل می‌شود، اما عشرات و مات (دهگان و صدگان) را مثل احاد در نظر می‌گیرند (یعنی بدون صفر) و هزار که عدد غین است بدل به صفر می‌شود. طرز نوشتن براساس این شیوه در بیت زیر ذکر شده است:

احد به خط نرسد لیک می‌رسد عشرات

الوف صفر که غین است و خط گذشته مات  
یعنی یک خط حامل باید کشید حروفی که عددشان از یک تا نه است (یعنی ابجد هوز حط) را بالای خط می‌نویسند و حروفی که عددشان از ده تا نود است (یعنی ی کلمن سعفص) بدون در نظر گرفتن صفر آنها مانند احاد فرض شده اما آخر آنها نباید به خط بچسبند و حروفی که عددشان از صد تا نهصد است (یعنی قرشت ثخذ ضظ)

از خط به پایین کشیده می‌شود. چون در چاپ نشان دادن این روش مشکل است فقط به یک مثال قناعت می‌شود. مثلاً هست را باید چنین نوشت — (پنج بالای ع یعنی ه و شش چسبیده به خط یعنی سین و چهار که از خط گذشته است یعنی تاء) اگر غین در کلمه باشد به جای آن صفر می‌نویسند در بالای خط. مثلاً «غلام» را <sup>۱</sup> — <sup>۲</sup> می‌نویسند. در تحفه حکیم مؤمن (ص ۲۹۴) این خط را قلم هندی نامیده و اندکی شکل آن متفاوت است.

### ۵. الفباهای رمزی دیگر

ابداع خطوط و الفباهای رمزی و سری دامنه وسیعی دارد و هر کس می‌تواند با دوست خود قراری بگذارد و شکلهایی برای حروف از خود بسازد و با او با آنها مکاتبه کند. این کار حتی پیش از اسلام هم در ایران وجود داشته است. حمزه اصفهانی در کتاب *التنبیه علی حدوث التصحیف* و نیز ابن ندیم در کتاب *الفهرست* (چاپ تجدّد ص ۱۵ و ترجمه آن ص ۲۲) نوشته‌اند که ایرانیان قدیم (پیش از اسلام) هفت گونه خط داشتند که یکی از آنها «رازدبیره» (در *التنبیه* به صورت «رازدفیره» در *الفهرست* به صورت «رازسهریه» که ظاهراً محرف است) نام داشته و برای نوشتن اسرار و کتابهای رمزی بوده است که نمونه‌ای از آن تاکنون به دست نیامده است و نه از سایر خطوط، بجز «آم دبیره» (کتاب عامه که همان خط پهلوی است) و «دین دبیره» (که خط اوستایی است).

اما در کتاب انگلیسی *جادوگری*، کتاب *مقدماتی علوم غریبه*<sup>۱</sup> نوشته دیوید کانوی<sup>۲</sup> که بعداً ذکر می‌شود، در ضمن تعدادی از الفباهای رمزی، یک نوع الفبا را به نام «خط مغها»<sup>۳</sup> معرفی کرده است که دارای ۲۲ حرف است به ترتیب ابجدی که معلوم است از سامیان (به احتمال قوی از یهود) اخذ شده است (تصویر این الفباها در این مقاله خواهد آمد) و معلوم نیست که آیا این خط مغها همان رازدبیری است یا خطی دیگر.

ملا احمد نراقی در کتاب *خزائن* (ص ۲۵۷) نوشته است: «اقلامی که در باب علوم

1. *Magic: an Occult Primer*

2. David Conway

3. *Writing of the Magi*





۱۰. قلم طبیعی دیگر، ۱۱. قلم یونانی، ۱۲. قلم یونانی دیگر، ۱۳. قلم زهره و مشتری، ۱۴. قلم قمر، ۱۵. قلم عطارد، ۱۶. [قلم عطارد] نوع دیگر، ۱۷. [قلم عطارد] نوع دیگر ۱۸. قلم اوسراس حکیم، معروف به قلم طبیعی، ۱۹. قلم قلیسیطین نوش یا قلمیطن حکیم، ۲۰. قلم سرمانوس حکیم، ۲۱. قلم ریحانی، ۲۲. قلم کاشفی نوع دیگر.

هم مکه مده هههلا مده که مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 لا مده مع مع

مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده

مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده

مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده

مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده  
 مده مده مده مده مده مده مده



ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 ذ ض ط غ نشان مد ، نشان فتحه ، نشان ضمه ، نشان کسره ، نشان جزم ، نشان تشدید  
 نسخه اخری ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 خ ذ ض ط غ نشان مد ، نشان فتحه ، نشان ضمه ، نشان کسره ، نشان جزم ، نشان تشدید

و از این ۲۶ قلم فقط نام پنج قلم در صفحه ۲۵۷ نیز ذکر شده است، یعنی بجز سی  
 قلم مذکور ۲۱ قلم دیگر هم در این کتاب نام برده شده است که تعداد آنها را به ۵۱  
 قلم می‌رساند که نیمی از آنها را نشان داده است و از نیم دیگر صورت آنها را  
 نیاورده است. در ذیل تذکره انطاکمی (ص ۸۹) نیز یک خط رمزی به نام قلم طبیعی  
 آمده است.

ا ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل  
 ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 گ ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح  
 گ ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث ح

در کتاب سرالمستتر (ص ۱۰۰) نیز دو الفبا تحت عنوان حروف طلسم و علوم  
 غریبه به ترتیب ابث آمده است

حروف علم علوم غیره  
 ا ب ج د ه ز ح ط ی ک ل م ن  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲  
 ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵

و در گوهر شیخراغ (ص ۴۶) هم الفبایی تحت عنوان قلم عبری که اقرب به اغلب سلائق است آمده

ا ب ج د ه ز ح ط ی ک ل م ن  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵

و در کشکول شیخ بهایی (جزء اول، ص ۲۴۳) یک الفبای رمزی مثل فرمول حروف شجری آمده است که به نام «رموز سندی» خوانده شده است و ترتیب آن چنین است که اگر جملات ابجد سه حرفی باشد به ترتیب حروف «سال ما» را رمز آنها قرار داده است و اگر چهار حرفی باشد به ترتیب «سال ماها» را رمز آنها ساخته است و سپس بر حسب آنکه حرف مورد نظر در کدام جمله واقع شده باشد مانند خط شجری ابجد را صفر (یعنی بی علامت) و هوز را یک (با علامت صفر) و حطی را دو تا ضظغ که علامت آن ۷ است مشخص کرده است به صورت زیر.

سال ما	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سال ما	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
سال ما	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
سال ما	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
سال ما	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
سال ما	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
سال ما	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹
سال ما	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
سال ما	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
سال ما	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
سال ما	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
سال ما	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
سال ما	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
سال ما	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
سال ما	۹۹	۱۰۰					

یک راه دیگر برای رمزی کردن نوشته‌ها این است که حروف آن را به چند بخش تقسیم کنیم مثلاً به شش بخش و سپس در هر سطر فقط همان تعداد حرف را بنویسیم و بعد از آن بقیه را در سطر بعدی و همین‌گونه تا آخر و آنگاه به جای آنکه جملات را افقی بنویسیم عمودی بنگاریم. مثلاً جمله «ده عدل گندم بخرید لازم» را چنین می‌نویسیم:

۶	۵	۴	۳	۲	۱
	د	ع	د	ل	گ
	ن	د	م	ب	خ
	ی	د	ل	ا	ز
					م

و آنگاه برای طرف خود می‌نویسیم یا مخابره می‌کنیم «دنی هدد عمل دبا لخرز گرم» (نقل از: امید ۱۳۱۲: ۲۶/۲). البته رمزی کردن مطالب امری است که میان طرفین یا طرفهای مورد مکاتبه یا مکالمه می‌تواند صورت نامحدودی داشته باشد و لذا ما نمی‌توانیم تمام اشکال و صور موجود و یا ممکن را تعیین کنیم و به همین اشارات اکتفا می‌شود.

#### ۶. خطوط رمزی تحفه حکیم مؤمن

تا آنجا که من اطلاع دارم، مفصل‌ترین فهرست خطهای رمزی در کتاب تحفه حکیم مؤمن (صص ۲۹۴ تا ۲۹۸) آمده است و معلوم نیست که منابع این کتاب در این زمینه چه بوده است. در این پنج صفحه ۵۱ نوع خط معرفی شده است اما متأسفانه تقریباً همه آنها درهم ریخته و مشوش است و نمی‌توان صورت درست و کامل آنها را نقل کرد و اشتباهاتی هم دارد. مثلاً اولین خط رمزی را به نام قلم هندی نامیده است که ایقغ بکر است، ولی این نه جمله در حقیقت خط رمزی نیست بلکه یکی از دایره‌های حروف است که بر مبنای ابجد در علم حروف و جفر مورد استفاده است که براساس آن حروف ابجد را برحسب ارزش عددی آنها بدین صورت کنار هم قرار داده‌اند که احاد و عشرات و مات را در هر عدد با هم جمع کرده‌اند. بنابراین ایقغ (۱۱۱۱)، بکر (۲۲۲)، جلیش (۳۳۳)، دمت (۴۴۴)، هنت (۵۵۵)، وسخ (۶۶۶)، زعد (۷۷۷)، حفص

(۸۸۸)، طسظ (۹۹۹) می‌شود و این کلمات رمز نیست بلکه از ابواب اعمال جفری است (نک مقاله پیشگفته اینجانب در: معارف: ۳۳). قلم دوم باز هم هندی نامیده شده است که در حقیقت همان خط عددی است که در بند ۲ ذکر شد. برای مشاهده بقیه خطوط رمزی به کتاب *تحفة المؤمنین* مراجعه شود و اگر کسی همت کند از روی نسخه‌های خطی معتبر صورت این خطوط را فراهم و منتشر نماید (به ویژه به صورت عکس‌برگردان) به پیشرفت این امر کمک بسیاری خواهد کرد.

در کتابهای دعا و طلسمات و تعویذات و امثال آنها فراوان به خطوط رمزی برمی‌خوریم که نمی‌دانیم معنای آنها چیست. مثلاً نوشته است که این دعا را به زعفران بنویسید و بر گردن خود بیاویزید و چون رمز آن دعا را نمی‌دانیم لذا معلوم نیست که آن دعا به چه زبانی و به چه معنایی است. اغلب این طلسمات و دعا‌های رمزی ارث ملاحای یهودی است که به مسلمانان رسیده است و چه بسا که دعا‌هایی از تورات و کتب دیگر یهود باشد و گاهی ممکن است حتی در آن دشنام یا شوخی باشد؛ چنانکه گویند شخصی بر دهی وارد شد گرسنه و خسته و یخ‌زده به سراغ خانه کدخدا رفت و فهمید که زن کدخدا در حال وضع حمل و دچار سختی زایمان است و درد می‌کشد و نمی‌زاید. مرد گفت من دعایی می‌نویسم که وضع حمل او آسان شود. او را به درون بردند و او گفت اول غذایی بیاورید بخورم و قدری آتش تا گرم شوم و بتوانم کار کنم. بعد از آن روی تکه کاغذی نوشت: «خودم جا الاغم جا زن کدخدا می‌خواهد بزاد می‌خواهد نژاد» و آن را در پارچه‌ای پیچید و بست و دوخت و گفت این دعا را زیر پای زن بگذارید تا بزاید و از قضا بلافاصله بعد از گذاشتن بسته در زیر پای زن، او زایید. بعد از آن تا سالها هر زنی که در آن ده می‌خواست بزاید آن بسته را از خانه کدخدا می‌گرفتند و نزد زائو می‌بردند. روزی رندی خواست آن دعا را یاد بگیرد بسته را گشود و دید چه نوشته است.

بعضی از علما استفاده از دعا‌های رمزی و مرموز را حرام می‌دانند و می‌گویند زیرا ممکن است مطالب خلاف شرع در آن باشد. یکی از کتابهایی که پر است از دعاها و طلسمات ساختگی و مجعول و خرافاتی کتاب *شمس‌المعارف الکبری* است که تقریباً معانی همه آنها مجهول است و یکی از معماهای آن طلسم اسم اعظم است که در صفحه ۸۹ این کتاب آمده است و اولین جزء آن ستاره داود است که در علم



ا ب ت ث ج ح ذ ز ه ه و ی  
 د ه ز ح ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه  
 ط ظ لا ع ک غ ف ع ق ک ل ج  
 م ن و ی ه ه ه ه ه ه ه ه

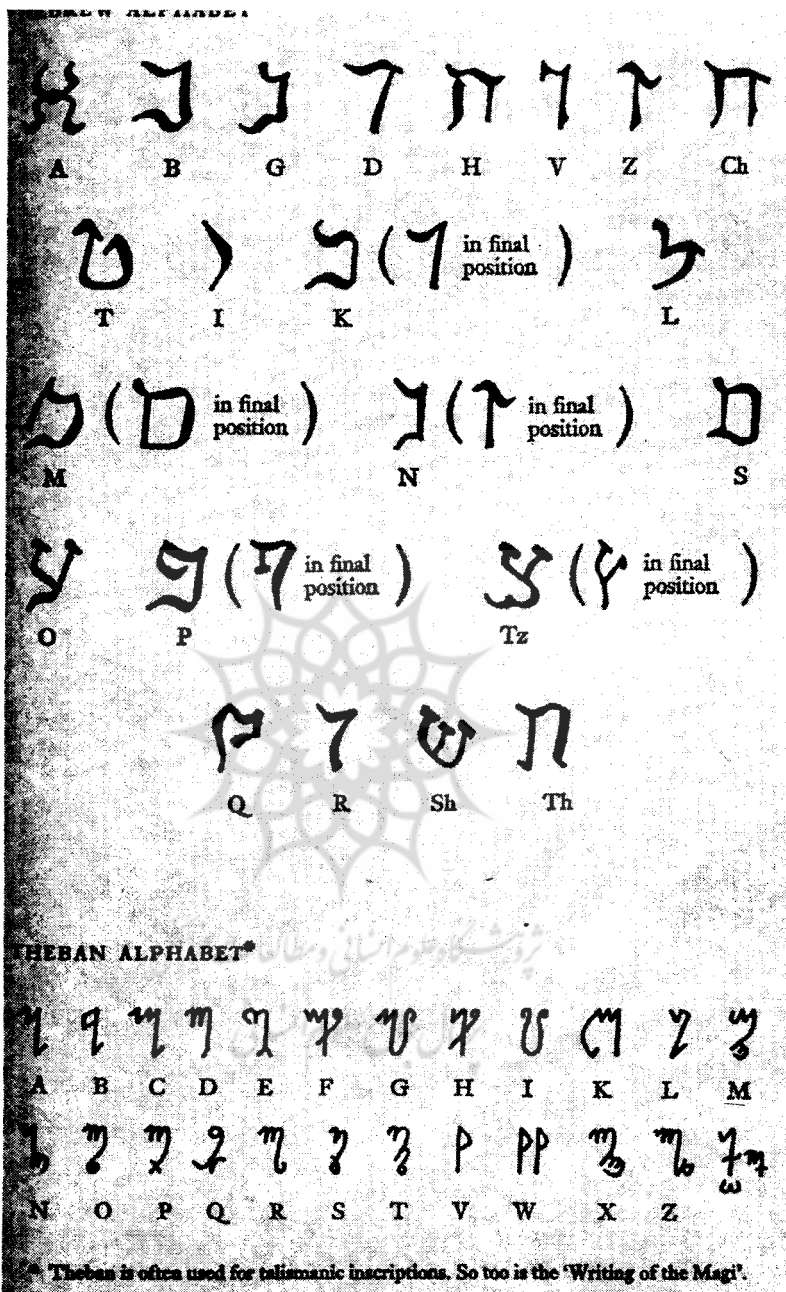
این خط در تحفه حکیم مؤمن نیست و در خزائن نراقی (ص ۱۹۱ و ۳۲۷ و ۳۲۹) هم خطهایی شبیه به این ولی نه بدین روشنی و مرتبی دیده می شود. دومی هم خطی است که فقط چند نمونه آن نوشته می شود و نسبتاً منظم است و آن هم در هیچ کتاب دیگری دیده نشده نمونه:

ا ب ت ث ج ح ذ ز ه ه و ی

تا آخر.

در مورد خطهای مذکور در تحفه حکیم مؤمن و خزائن نراقی به اسمهای شگفت آوری برمی خوریم مثل خط برناوی، قلم شاناق، قلم فلقطیر، قلم احمیمی، قلم کاشفی، قلم اوسراس حکیم، قلم قلیسطن نوش، قلم سرماندس، قلم ادریموس، قلم هارش هندی که ظاهراً مجعول یا محرف و مصحفاند و عجیب است که این اشخاص اختراع حروف سری را غالباً براساس حروف عربی انجام داده اند. همین طور است اقلام یونانی و عبرانی و هندی که مسلم است آنها هم جعلی است. دوم اینکه مخترعین این خطوط خیلی ابتکار نداشته اند و هیچ کدام نتوانسته اند خطی زیبا و معقول و نظاممند اختراع کنند بجز دو نمونه اخیر که تا حدی نظاممند است. در خاتمه باید بگویم همان طور که طلسمات و فرمولهای جادوگری و ادعیه و تعویذات ساختگی این اشخاص مهمل و بی نتیجه است، اختراع خط آنها هم ارزشی نه از نظر ظاهری و خطاطی دارد و نه از نظر معنوی. در اینجا تصویر یازده نوع الفبای جادوگری را که در کتاب جادوگری، کتاب مقدماتی علوم غریبه تألیف دیوید کانوی آمده است عیناً می آوریم که معلوم است کار اروپاییان جادوگر نظاممندتر از علمای علوم غریبه ایرانی و عرب است.





MEMORIAL ALPHABET

⌘	Σ	Π	Γ	⋈	Π	Δ	∩	⚡	Υ
A	B	Ch	D	G	H	I	K	L	M
Δ	∩	⊖	⊕	∩	∩	∩	∩	∩	∩
N	O	P	R	S	Sh	T	Th	Tz	V Z

RUNIC OR FUTHORC ALPHABET

ƚ	ᚢ	ᚦ	ᚨ	ᚱ	ᚷ	ᚸ	ᚹ	ᚻ	ᚾ
A	B	C	D	E	F	G	H	I	KL
ᚱ	ᚦ	ᚸ	ᚷ	ᚱ	ᚷ	ᚷ	ᚷ	ᚷ	ᚷ
M	N	Ng	O	R	S	T	Th	U	

MALACHIM ALPHABET

⌘	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩
A	B	Ch	D	G	H	I	K	L	M N
∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩
O	P	Q	R	Sh	S	S	T		
∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩	∩		
Th	Tz	V	Z						

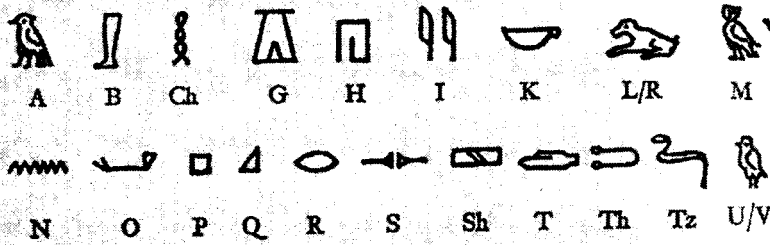
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
A	B	Ch	D	G	H	I	K	L	M N O
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
Q	R	S	Sh	T	Th	Tz	V	Z	

ALPHABET OF THE MAGI

⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
A	B	Ch	D	G	H	I	K
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
M	N	O	P	Q	R	S	Sh
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
T	Th	Tz	V	Z			

ALPHABET OF THE ROSICRUCIANS

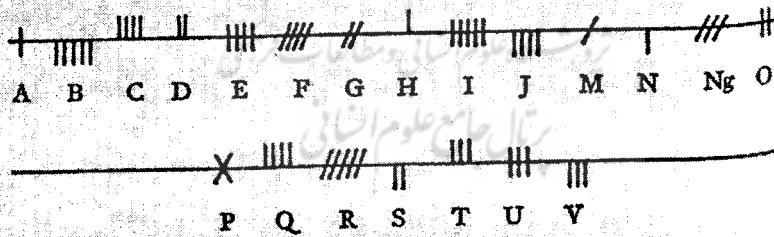
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
B	C	D	E	F	G	H	IJ	K	L M
⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘	⌘
O	P	Q	R	S	T	U	V	X	Y Z



GREEK ALPHABET



OGHAM\* ALPHABET



## منابع

- آقانجفی قوچانی (سید محمدحسن نجفی)، ۱۳۶۲ ش، سیاحت شرق، تهران.
- احمدین علی بونی، شمس المعارف الكبرى و لطائف العوارف، اربعة اجزاء فی مجلد واحد، المكتبة الشعبیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- امید، حسین، ۱۳۱۲ ش، تقریحات علمی، ج ۲، تبریز.
- بهاءالدین محمدبن عزالدین حسین (شیخ بهائی)، الکشکول، تهران، ۱۳۳۷ ش.
- داودبن عمر انطاکی، تذکرة اولی الالباب و ذیل التذکره، مطبعة مصطفی البابی الحلبي، مصر، ۱۳۷۱ ق.
- سفارزاده واعظ [بی تا]، سرالمستتر، در علوم غریبه و جفر، تهران.
- محمد مؤمن حسینی طیب، [بی تا]، تحفة المؤمنین معروف به تحفة حکیم مؤمن، به خط محمدعلی طهرانی.
- معارف (مجله مرکز نشر دانشگاهی)، دوره هفتم، شماره ۲، مرداد تا آبان ۱۳۷۹ ش.
- نائینی، ملامحمدحسین، گوهر شجرآغ، ج ۲، طرائف السوانح من اللغات و الاشعار و الطلسمات، مطبعة علمی، ۱۳۸۰ ق.
- نراقی، ملااحمد، خزائن، به کوشش حسن حسنزاده آملی و علی اکبر غفاری، طهران، ۱۳۸۰ ق.
- نیر، حبیب الله، ۱۳۳۶ ش، معاون (کتاب جنگ)، ۲ ج در یک مجلد، تهران.
- *Magic, An Occult Primer, 1973, by David Conway, A Bantan Book, USA.*



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی